

میلعلما وه

کلاسد یار بن آ موزلو و رکذ و درو ی انعم

بجر هام ی ارب ی یاه هیصوت و

8سلج - رکذ و درو - یر صبن اونء ثیدد حرش

تانااید

ی نار هط ی نیسد ن سحمدحم دیدد جاد الله تیا

هژسد الله سّدق



مِجْرَلَا نِاطِيْشَلَا نِمَ لِلّٰهِ ذُو عَا
 مِجْرَلَا نِمَحْرَلَا اللّٰه مَسْب
 نِيْمَلَعَلَا بَرِ اللّٰه دَمَحَلَا
 دِمَحْم اَنْبِيْنَد و اَنْدِيْسِي اَع اللّٰه اِلْصَو
 نِيْر هَاظَلَا نِيْبِيْطَلَا اِلَا اَع و
 نِيْدَلَا مَوِي يَلَا نِيْعَمَجَا مِهْنَادَعَا اَع اَنْعَلَاو

کلاس تکررد رکذ و درو ی تیرترثا

دندومرف ترضد دودب یرصدب ناونذ هفیرشد تیاور به عجار ثحب

ن ع ی نلغشتلاف، راهنلا و لیللا انا ن م عاسل کی ف داروا ی دکاند عم و بولطم لجر ی نا»
 م هاگتسد بولطم هک متسه ی درفن م» «هیللا فالتخت تنک امک هیللا فالتخا و کلام ن عذخ و ی درو
 دروایید دوجو به امش و ن م ی ارب ار ی تلاکشم تسا ن کم ن م اب طابترا و متسه ماگتسد رظن درو م
 لیللا زای تا عاسر هر رد یراکذا. مراد زور و بش زای تا عاسر هر رد ن م ی داروا، نیا رب مولاع و
 و ی تفری م - سنا ن ب کلام - کلام شپ، قیاس هچنانچ و ن کذل و غشم مدرو زا ارم. مراد راهن و
 «ریگب و از اربلاطم و نک معجارم کلام به م ن لا، ی تفرگی م اربلاطم و از ا

لیللا انا ن م عاسل کی ف داروا ی دکاند عم و» :دیامرفی م هک ترضد ملاک نیا هک دش ضرع
 رگم «مراد یراکذا، مراد ی داروا زور هباشرد ن م» :دیامرفی م ترضد. تسیج شیانعم «راهنلا و
 لاصا: هکنیا ل و ا بلطم؛ دریگی مرارقه جوت درو اجنیا رد ی لناسم؟ دیوگب درو و رکذ دیاب مه ترضد
 ی دد هچ ات رکذ: هکنیا مود بلطم؟ تسا و حذ هچ به کلاس ی ارب ن آ موزلا و؟ دراد انعم هچ رکذ و درو
 ناسنا ای و؟ تسا دیم کلاس ی ارب و ناسنا ی ارب درو و رکذ ی اهرم و هبترم هچ ات و؟ تسا بولطم
 و؟ دشاب زاینی ب بتارم زای ضعب رد تسا ن کم ای تسا رکذ به جاتحم، بتارم هم و ل او حا هم هر د
 هچ رگید، دسری م ل امک اهرم به ی تقو کلاس و تسینل امک ی ارب همدقم رکذ نیا رگم، رتمهم هم ز
 قیاصد ماما!؟ دشاب ملاسلا هیلع ماما لثم ی صخش هکنیا اصوصخ، دنکل امعا هک دراد همدقم نیا به ی زایند
 تیللا و هبترم به و تبامت اهرم به هک تسا ی دارفا هم ز ا مئا و نیئمک هم ز ا ل مکا هک ملاسلا هیلع
 :دیامرفی م ترضد لاد نی عدد؛ دندیسر

«مراد رکذ؛ مراد درو ی تا عاسر هر رد ن م». «راهنلا و لیللا انا ن م عاسل کی ف داروا ی نا»
 ل و در د دیاب هک تسای بلاطم اهنیا؟ دیوگی م درو هچ ی ارب ماما؟ دیوگی م رکذ رگید هچ ی ارب ماما
 دوشد تبحد ن اش و د و

ی انعم به تغرد - ن دش دراو ی نعید «ادورو؛ درو؛ درو» «زا - درو» هک تسا نیا هلئسم تقیقح
 ی لزنم دراو ی صخش رگا. تسا درو ن آ رصم مسا و دوشب ی رگید زیچ رد ل خاد هک تسای زیچ ن آ
 ، دروای م نابز رب ارب راکذا ن آ ناسنا هک ارب راکذا اجنیا رد. هیللا درو؛ تیللا ی ف درو؛ دیوگی م دوشب
 ی بتارم هک - رس ملاء رد و رکف ملاء رد سفنداجیا و قلخ ملساو به ای، ظفانت ملساو به راکذا ن آ نوچ
 ناسنا ن طاب و ناسنا رس رد دراو و دوشی م بلقر رد دراو - دوشی م ضرع ن آ بتارم دعب لاح، دراد
 ش درگ و ناسلا مقلط طف، دراد دورو هبنج ی نعید. دوشی م هتفگ درو اهنیا به رظن مطلق نیا زا؛ دوشی م
 درادگی م ریثات و ارد و دوشی م دراو و ا بلقر رد رکذ نیا، دیوگی م ارب رکذ کین ناسنا ی تقو. تسین نابز
 دهند ماجنا ارب راکنیا رگا لا و دهدی م ریغت و دنکی م نوگرگد ارب و سفند و دنکی م ضوع ارب و ا بلق و
 ن م دینک ضرف هکنیا ای دینک رارکت ی روطنیمه ارب ی رعش کید امش!؟ دنکی م ی قرف هچ. دراند ی اهدیاف
 و تسا نابز ش درگ و در ره! دنکی م ی قرف، دیوگب روطنیمه ارب الله لا اهل لا کرابم رکذ لائم باب

دیحوت ملاء اب ام ی ناسفد هبترم هالصاف

ریغتم و دوشبل و حتم ناسنا رسد و بلق هک دوشی م بجوم هنوگچ و دراد یرینآت هچ رکذ نیا اما
 ؟تسیچ رکذ نیا زافده و ؟تسیچ رکذ نیا زاتیاع و ؟تسیچ رکذ نیا ی اهتتم و دوشب
 رتهی صخش ره . میتسه راتفرگ ل هج و تترک بتارم زای اهترم رد ام هک تسانیا [تقیقح]
 ی گنری ب ملاء و تدحو ملاء ، دیحوت ملاء . دراد علاطاً دوح تافصد هب و دوح تاییصوص هب ، یرگیذ زای
 و تینانا عفر ملاء ، دیحوت ملاء . بتسا تملظ و ترو دک عفر و روز ملاء ، دیحوت ملاء . بتسا ی گنری و
 تیناند و تینید هنوگ ره درط و ی گناگی و تجهد ملاء ، دیحوت ملاء . بتسا تترک و یروحم دوح
 . بتسا ضحم اهد و ضحم لامک ملاء ، دیحوت ملاء . بتسا دیحوت ملاء ، ملاء نیا . بتسا ی تترک ی للاقنسا
 هبترم رد ؟ میتسه ی اهترم هچ رد ام . بتسا دیحوت تیعقوم ، تیعقوم نیا ، بتسا دیحوت هبترم ، هبترم نیا
 ؛ للاقنسا هبترم رد . دیحوت اب فالخم ؛ یروحم دوح هبترم رد . دیحوت اب باقم ؛ دیحوت اب فالخم ؛ تینانا
 هبترم رد . دیحوت اب فالخم ؛ نارگیذ زای عفانم بلس و دوح ی ارب عفانم بلج هبترم رد . دیحوت اب فالخم
 تاییصوص و دیحوت قیاقذ زای ام هک هچنآ ی نعی . دیحوت اب فالخم ؛ عفر تو و ی شنم گرزب و نارگیذ درط
 فورظ بسد هب و ایند رد و تترک ملاء رد نآ اباقم هطقه مینیبی م ، میروایب رظرد دیحوت راتا و دیحوت
 و بتسا تاذ کی رد کدتم ، همم ، راتا همم ، عفانم همم اجنآ رد ، دیحوت ملاء رد . دراد رارق دارفا رد
 دنکی م میسقت هک تسوا

ق د ترصد هب تبسذ دارفا ندوب ءاوسلای ءع

لوصا زای کی ندرک راک . دنکر راک دنورب اهینیا هک دوب هداد روتسد ش نادرگاش هب انلاوم دنیوگی م
 رد هتسشن رفق دینک ضرراً لاثم . دیای م ش دب راکید مدآ زای ادخ . بتسا کولسد ی ارب هیلوای نایم زای و
 ی م ش دب مدآ نیا زای دنوادخ . دهدب ماجنا راک دورن نیا و دیایب ش یارب مه یررقم لاثم بابنم و لزمن
 . بتسا نمتسد رگیذ نآ ؛ هیشاپ هتسادنای هیشاپ هتساد دمارد هاوخ ، هیکر راک یورب دیاب دیوگی م ادخ . دیای
 لاد . بتسا کولسد اب فالخم لمع نیا ، دسرب ناسنا ی ارب یررقم [هکنیا راطننا رد] و لزمن رد نتسشن
 ناسنا تسد رگیذ نآ ، دروای مذ تسدب ای دروای م تسدب ی زیچ هکنیا ای ، دهدب ماجنا راک دورب دیاب ناسنا
 اهتتم ؛ دیهدب ماجنا راک دیورب دیاب هک دوب هتفگ ش نادرگاش هب مه انلاوم . درادن ی طبر ناسنا هب و تسین
 ناسنا دنکی م بجعت لاصا . هتش کورتم رگیذ همم لئاسم نیا لاصا لاد- تیفیک نیا هب ، روطنیا
 رب انبی سکره ، دندادی م ماجنا راک دنتفری م اهینیا -! ؟ دشا ی یاهزیچ نینچم هک ی تسانکم ی روطچ
 انلاوم ی ولج هک ی اهرفسد کی رد دندروای م ار همم ، دندروای م ریگ هچ ره بشاد . بتساد هک ی لماغتشنا نآ
 ، هدروآ رفق نآ ، هدروآ رفق نیا دوبن مولعم ؛ درکی م ی طاق ار همم تشادی م رب مه و . دنتخیری م دوب
 راهچ ، دراد هلاء رفق چنی صخش هک دینک ضررف دیدی م درکی م ماگذ دعب . دمای مذ تسدب ی زیچ چیه
 زای تشم کی تشادی م رب ؟ تسایریم ش اچد ؟ تسایریم ش شاعم ؟ تسایریم ش اناخ هیارک ، رفق
 دینک ضررف یرگیذ هک دیدی م درکی م ماگذ و ... لاثم ورب ، و تبشما ی ارب نیا : تفگی م ، دادی م و هب نیا
 میسقت و روطنیم و دادی م و هب رتمک مدرخ کی ، تسایریم ش جراخم ، دراد هچ اتود ، دراد نز هک
 نیا ! دیحوت دوشی م نیا . دنتسگی م رب ناسلزانم هب مه اهنا و دناکتی م ار همم هصلاخ رگیذ و درکی م
 ی م ، هدروایب ریگ زیچ چیه دیش ، مدرک راک هتفر هک مه ی صخش نآ لاد . بتسا ی دیحوت نایرچ ، نایرچ
 . میدرکذ ادیب ی زیچ زورما ام : تفگی م ، هرفس یوت درکی م ی لاد ار ش تسد دمای
 ی داد ماجنا ار تراک هک و ت ؟ هدوب و تریصقت رگم ، نکذ ی درکذ ادیب -

هداد ماجنا راک ی نعی- درکی مذ راک هکنیا هب تشادی م رب ، درکی م راک هک ی سک دمارد زای تقو نآ
 . بتسا دیحوت نایرچ ، نایرچ نیا . دادی م - هدروایب تسدب ی زیچ ی لو
 وَ هادف اناوراً ، الله یقبت ترصد روهظ نامز رد : هک مینکی م دروخر ب ی تیاور کی هب ام هک ی تقو
 ، درادی م رب دهاوخب هچره و نمؤم بیج رد دنکی م تسد دیای م نمؤم ، فیرشلا هجر فی لاعت الله لجد

قیاقدن آ دیایم ترضد. دنکی مققم معماجد ار دیحوت، ترضدنوچ؟ ارچ. مینکی مذبجعت رگید
دهدی ماچنا، ار دیحوت.

میراد ام. بتسیند فلاخ، دهدی ماچنا ترضد هک یراک نآ. دهدی مذ ماچنا یراک ترضد سپ
تمذخ نیا. دهدی ماچنا ار حیحص راک دراد وا. دهدی ماچنا ار قدر راک دراد وا. میهدی ماچنا فلاخ
دیحوتن ایرج کید دوشی مدرم هبت مدخ و قلخ هب.

ل، هاج، یراولشدتک، ملاء؛ دنتسه ءاوسلا یلعق دت ترضد و قدهبت بسن، دارفا همه، دیحوت رد
قدهبت ترضد هبت بسن ناشطابترا، اهنیا همه، دارفا همه، عراز، رجات، لاقب، سدنهم، کشزپ، داوسی
طابتر نآ اب همه اهنیا. بلاط حلاطصا ربانب؛ کیگشت و حدهبت، یطاوت و حدهبت؛ تسای و استمه طابتر
یداع درف کید اب مزادنا نامه هب، دراد طابتر مرکا ربمغیب ابل اعتمه دنواد هک مزادنا نامه هب. دنراد
هیحان زایلو؛ دنک هداقتسا رتشیب هتسناوت و مدرب لابل ارش دوخ وا. دنکی مذی قرف چیه؛ دراد طابتر
دنکی مذی قرف. تسای و استمه؛ تسای طاوتمه طابتر، طابتر، تلآ.

تسا راگدرورپ تافصد زایکی، قلخ جایتدا عفر و قلخ هبت مدخ و مدرم هبت تمذخ نیار بانب سپ
دراذگی مذی رگید و یکی نیی قرف و تسامء هضا، قیلخ همه هبت بسن لاعتمه دنواد هضا صافای نعید
مذی قرف وا. دنک هداقتسا رتشیب هتسناوت و مدرب لابل ار هبترم نآ، درف دوخ هک یاهبترم نآ بسد هب لایا
توافد اجنآ رد. بتسیند زیم و یزایتما اجنآ رد. دوشی مذل ناقزایتما یرگید نیی و یکی نیی وا. دراذگ
موری، تسامقیر نیان وچنم. بتسا فلاتخا مینیی مپیایی هک اجنیا اما. بتسیند دیحوت ردی فلاتخا و
تسیندم قیفر نوچ یرگید اما؛ مراد دماوتفر و ابو و منزی مرسوا هب، منکی مکمک و هب و واشپی
بتسا فلاخ نیا. مپی منرب و اجناود عفر رد و منزی مرسوا هب لاصا، منکی مذش یانتعا لاصا

تسا یسک هچن نیموملار یما هعیش

چندی پیش من با یکی از دوستان عزیزمان، جناب آقای دکتر سجّادی، ملاقاتی داشتم. ایشان یک
قضیه خیلی جالبی را از مرحوم آقا نقل می‌کرد. می‌گفت: یک روز من از مرحوم آقا سؤال کردم؛ گفتم:
آقا ما در امریکا، در بیمارستان‌ها -ایشان در آنجا رئیس بیمارستان بود و موقعیش خیلی ممتاز بود-
می‌دیدیم این پرستارها و این نرسیها خیلی به مریضها می‌رسند، خیلی اخلاق خوبی دارند، خیلی
در صدد رفع نیاز آنها و احتیاج آنها هستند. مریض تا چیزی نگفته فوراً اینها به کمک او می‌آیند. تا یک
چیزی را هنوز تقاضا نکرده در اختیارش قرار می‌دهند. با اخلاق خوب، با روش خوب، با برخورد
خوب، همیشه مریض را راضی نگاه می‌دارند. اما ما اینجا اسم خودمان را شیعه امیرالمؤمنین
می‌گذاریم، با چشم خودم من می‌بینم بر سر مریض داد می‌زنند، فریاد می‌زنند: برو گم شو! برو روی
تختت بخواب! برو نمی‌دانم چه کار بکن! دائم من به این نرسیها می‌گویم: آخر با مریض خوش رفتاری
کنید! این مریض است، اختیار ندارد، حوصله ندارد، اینها گوش نمی‌دهند. می‌گفت: مرحوم آقا به من
گفتند: «شیعه امیرالمؤمنین همان نصاری هستند، نه اینها!» مرحوم آقا که شوخی نمی‌کند. شیعه
امیرالمؤمنین کیست؟ اینکه برخلاف روش حضرت عمل کند؟ این شیعه نیست. یعنی چه؟ یعنی آن
نصرانی که دارد الآن با این مریض بیچاره که دستش از همه چیز کوتاه است و اختیار خودش را ندارد
و اخلاقش، اخلاق تند است -مریض است دیگر، مریض که قابل برای سرزنش و توبیخ نیست- دارد با
او با لطف عمل می‌کند، با مدارا عمل می‌کند، [در مسیر امیرالمؤمنین گام برمی‌دارد]. الآن که آن
پرستار، در آن حالت به این مریض می‌رسد، مظهر اسم رحمانیت و رحیمیت پروردگار واقع شده است.
به این مقدار الآن خودش را به توحید نزدیک کرده است. به این مقدار الآن خودش را به عالم وحدت و
عالم بسط، نزدیک کرده و چون لوادار توحید، وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است و چون
پرچمدار توحید، وجود مبارک علی بن ابی‌طالب است پس بنابراین بخواد یا نخواهد -ءاشیلا وءءاش
وا تسد دیایم یلع نیمه تمایق زور. بتسا هتفرگ رارق ماسلا هیلع نیموملار یما تیلاو و اولت حدر
!هذ[ار ام تسد] تقون آ. دریگی مار

نارگید تیصخش ریثأت تحت هنو ق د ص یخشت ساسا رب لمع ی نعید کولسد

آلصا هک مدرک ضرع نار هط رد مراد رطاخ به لب بقه سلج دنچ رد نم دشاب آقفر فیرشد دایرگا لمع و دهنی ص یخشت ق د ناسنا هک هچنآ قبط رب لمع ی نعید کولسد. دراد یرگید ی انعم کید کولسد ی م ایضاً فرط نآ رد ی تقو هک میراد ی پاهرایعم کید ام اجنیا رد اهنتم. کولسد دنیوگی م ار نیا، دنک ی سک نآ. دنکی م ادیب ریغت بلاطم. دوش ی م ضوع اهپاسد. دنکی م ادیب توافقت اهرایعم مینیبی م، مپور هک ی تقو نآ رد. بتسا نینمؤملار یما معیش، بتسا ق د لابند به هک ی تیعمقوم نآ رد، دوری م ق د لابند هک نینمؤملار یما؟ دیامرفی م هچ نینمؤملار یما. بتسا نینمؤملار یما معیش م قوم نآ رد بتسا ق د به ق قحتمه ار تمصدق نآ. رادرپ رکف اب؛ رادرپ ل مآد اب ار تمصدق نآ، یورب ی هاوخی م هک ی مدق ره رد: دیامرفی م درف تیصخش روحسم. نکذت کرد و هایه ل لابند به. ورن راعشل لابند به. نک تکرد و رادرپ ل قعد اب دوری م نپیزا و ا هلقاء هوق، دوشب ی صخش کید تیصخش روحسم رگا ناسنا. بشابند

نوچ، بتسا ق د بلاطم، بلاطم مکنیا ولو دهنی م ماجنا هک ار ی بلاطم دنتسه دارفا زا یرایسب ی شزرا چیه، درادن هدیاف نیا و دنوری م ق د لابند [تیصخش ریثأت تحت]، دندش عقاو تیصخش روحسم تاساسحا مکل، بتسین هنریگ مپمصت و ا هلقاء ی اوق هک دریگ ی م رارق ی تیعمقوم کید ناسنا. درادن زورما حلاطصا رد. درادن رثا نیا. درادن هدیاف نیا دیامرفی م نینمؤملار یما! دریگی م مپمصت ناسنا یارپ ناسنا ی روط، صخش کید تیعمقوم ی نعید؟ هچ ی نعید دینادی م امزیراک، امزیراک: دنیوگی م لمع نیا به ار ناسنا، تیصخش. دنک لمع تیصخش نآ هاوخلد قبط رب ناسنا رعیش لا ثید نم هک دنک هتغیر فرار درادن هدیاف نیا! رکفت هنو ل قعد هنو، دیابرب

رد- دندناوخی م و دندمآی م بعل و وهلس لاجم رد هک ی جراخ ی ا هه دندناوخنیا زا ی ضعب دنیوگی م ار دارفا ی روط اهتیا تیصخش دنیوگی م -! تسین رگید لئاسم نیا زا هک نلا، دوب هک قیاس اج نیمه. دندب رارق ه دندناوخنیا رایتخا رد ار ناشدوخ دندوب رضاد اهتیا زا ی لیخ هک دانی م رارق ریثأت تحت چیه نودب هک درکی م بذج ار اهتیا ه دندناوخنیا و دنیوگ نآ تیصخش نانچ ی نعید؛ دراد تیعمقوم اهتیا همه. دندشی م عقاو ی ا هترم نینچم کید رد اهتیا، یرایتخا هنوگ

ره ناشیا دندوب هتشنود هک م دناوخی م تقو کید نم اجنآ رد -وئام- نیچ قیاس ره ت لاوحد رد به اهتیا هک دوب باب نیا زا هن نیا. دنارذگی م هزیشود و مدرکز رهوش دارفا اب م نآ، رنف کید اب ار بش تیصخش. دوبز روط نیا هن، دندرکی م لمیمحت ار ی ا هئلسم نینچم کید دارفا رب رابجا به و ربه به و روز لامک اب. دندوب رایتخا نودب ی ا هیض نینچم کید لابق رد اهتیا آلصا هک درکی م روهقم ار اهتیا نانچ [اهتیا فرط] دندی م ی تقو؛ دندرک رفس متفه نامسا و شرع به آلصا راگنا و تیغیر لامک اب و لیم رکف و اهتیا ن هن آلصا! بتسا ی صخش نینچم هک ی، تیعمج درایلیم کید ت کلم کید ره، نیچ ره ار ناسنا لقع و ناسنا تارایتخا هنوگچ تاغیلبت هک بتسا ی مهم هئلسم رایسب نیا و دشیم هدوبیر اهتیا و لامعا به تبسن ی کلمت هنوگچیه و دنیبیم تیصخش نآ روهقم ار دوش ناسنا هکی وحنه، دیابری م درادن ش دوش ل اعفا

- ن اوچون، ن اوچ ه دد کید و دنیوگی م. بتسا رلتیه به عجار دندکی م لقع هک لئاسم نیمه زا ی کید ی م کنات ریز و دنتفرگی م تسد به کجنران اهتیا هک دوب مدرک تیبرت ار ی روط ار -غلاب ریغ، قهارم ی اهزور و ن لرب رد دندوب هدروا موجه اهتیا هک ی تقو. دندرکی م مدهنم ار نیقتمه شتر لئاسو و دنتفر نیمه مطساو به، دنتسرب تشاد روضد اجنآ رد ش دوش هک ی نامتخاس نآ به دوب کید ز رگید هک دوب رخا ی نعید؟ بتسا حیحص هسفتد ی ق ل مع نیا ایآ. دوب متفرگ ار نیقتمه هلمد ی ولج زور دنچ، غلابان ی ا ههچ رارق رنف کید ی غیلبت ی اوق ریثأت تحت رد و ا درادن ایاضق زا ی کرد هک ی ا هچ کید ل ا اد دینکب ضرر کجات ریز به و [دهد رارق] گنفت و ل سلسم ی ولج ار ش دوش، دنک ادف ار ش دوش و دیاب دعب و دریگ! درید نپیزا و درید

نیا؟ مینک ریوصت لمع نیا یارپ میناوتی م ام ی هاگیاج هچ، ل قعد نازیم و لقع رظن مطقن زا

دوخیب ناسنا، دینک شخپ ار قیسوم نیا رگا هک تسه اهی قیسوم عاونا زا یضعب نلآا. درادن ی شزرا تیعقوم کپ رد ار دوخ، دوشب هجوتم ش دوخ هکنیا نودب و دهدی م فک زا رایتخا لاصا و دوشی م هینام، دینک ش مزیتونپییه ار رفز کپ امد هک تسا نیا لثم. درادن ی اهدیاف نیا بوخ. دهدی م رارق ی تکلاه لاصا و «!هدب ماچنا ار راکنیا ورب»؛ دیتسرفب ار وا دعب و دیریگب و زا ار تردق و رایتخا، دینک ش مزیت - رشابم نآ اب، دهدب ماچنا ار لمع نیا ی صخش کپ رگا هک تسا نیا میراد ام هک ی عرش ماکحا زا ی کپ ی م ش مادعا دنریگی م ار نآ دودب بسم هک ی صخش نآ هکلب! چیه؛ دنکی م ی راک چیه - ل عاف نآ ی نعید نآ رب بترتم هک ی نازج ل ناسم نآ. دنکی م صاصق ار وا، دنریگی م هید هک دینک صرف و زا و دنک درادن رایتخا رشابم نیا نوچ؟ ارچ. دهندی م ماچنا و اهدب تبسن ار نآ، تسه ل مع.

مثل یک دیوانه ای که می رود یک عملی را انجام می دهد. مثل یک فرد خوابی که توی خواب بلند می شود [و راه می رود]. بعضی ها هستند که در خواب بلند می شوند و می روند. بعضی ها را خود من دیدم که بلند می شوند حتی لباسشان را می پوشند؛ نمی فهمند؛ لباسشان را می پوشند، از منزل بیرون می روند، برمی گردند. حالا اگر یک شخصی در خواب بلند شد و رفت و یک نفر را کشت، شرع [با او] هیچ کاری ندارد. البته دیه بر عاقله است، دیه باید بپردازند ولی این را اصلاً قصاص نمی کنند، تقصیر ندارد. اگر دیوانه ای بدون تفریط کسی، بیاید یک عملی را در خارج انجام بدهد، با او کاری ندارند، عقل ندارد، اختیار ندارد. این هم همین است! فرض کنید شما با یک آهنگ مهیجی، یک نفر را تحریک کنید بدون اختیار برود یک عملی را انجام بدهد، خوب این ارزشی ندارد. عمل انسان باید روی عقل باشد. روی اختیار باید باشد.

ی م بهرگ ی روطنیمه، تیصخش نآ ریثأت تحت تیصخش کپ اب هجاوم رد دارفا هک دینک صرف تلاد، هدمآ ن اششوخ تیصخش نیا زا هک [نوچ، دنزادنا ی م هار] دادید و داد، دنزی م ن اشرسوت، دنک لاح نیا هب باقمه هک م ایآ؟ دنکی م ی قرف هچ نیا ریغ نید و نیا نید للاح. دوشی م ادیب اهنآ ی ارب ی نقر دندمآ ن ی ارب؛ هذ هکنیا ای!؟ مدرک ادیبی سرتسد و ا ی نطاب و ی تیصخش ت ایصوصخ و هک هب اعقاو، مدش ل و حتم ن م، دندرک ن ایی یرگید و حذ هب ار تیصوصخ، دندرک ن ایی یرگید روج ار هلئسم، دندرک فیرعت درادن هدیاف نیا، دوری م نید زا و دوشی م ضوع رگید تیعقوم کپ اب ل و حت نیا. درادن هدیاف نیا. مدش

ل قع ساسا رب ادهشلا دیس باحصا تکرد

ی اچ هب دناوتی م ی رگید ن ایرج چیه ارچ؟ تسا موسا همه ی ارب، لابریک ن ایرج میوگی م ارچ و لجر کف اب، رهاظم نید بیید و هجسوع نید لمسه دندام ی درمریپ ات غلابان لفظ نآ زا نوچ؟ دنیشنب لابریک ماما. درادن شزرا و درادن هدیاف نآ. دنشاب هتفرگ رارق ن یسد ماما تیصخش ریثأت تحت هکنیا هذ دنا هتفر رایتخا، درک قیرزت لقع، درک قیرزت رکف؛ داد رکف ش ناکید زب هب و ش باحصا هب اروشاع زور رد نیسد گرم تذل و گرم تقیقد. تفرز ن ادیم هب تاساسا ریثأت تحت ملاسلا هیلع مساق ترضد. درک قیرزت زا» «ل سعلان م ی لحا»؛ درک ضرع ملاسلا هیلع ادهشلا دیس باوچ رد اذل؛ درکی م ساسا ش ناج اب ار!

«ل سعلان م ی لحا»؛ تفگی م هک دیمهفی م ار ی زیچ کپ «تسا رتن یریش ن م ی ارب ل سع مامت اب ار ادهشلا دیس تیلو تقیقد و تیعاو نآ اروشاع زور رد ملاسلا هیلع ادهشلا دیس باحصا! درادرب تسد دناوتی م ی رگید؟ درادرب تسد دناوتی م دنکب کاردا ی سکرگم. دندرک کاردا ن اشدوجو دندیبجی م اهنآ دینیجی م اهوکرگا هک دندوب تفسد و بلصتم ن اشمار مرد نانچ. دندش عقاو ریثأت تحت م ه ن ارگید بوخ. درادن ی اهدیاف، دنکب مزیتونپییه ار همه اهنیا دیابید نیسد ماما رگا اما. دراد شزرا نیا رگشلا بلق هب ار ن اشدوخ و دنوشب عقاو ادهشلا دیس تیصخش ریثأت تحت رگا؟ دنکی م ی رگم، دنکی م درادن ی اهدیاف، دندزب

ی سوم ترضد زا دعب تانایرچ اب لمج گنج عیاقو هباشت

در جنگ جمل این اصحاب کور عائشه، اینها تحت تاثیر شخصیت او واقع شدند. می آمدند جلوی جمل عائشه خودشان را قربانی می کردند؛ که زن پیغمبر از بین نرود: «ای وای زن پیغمبر آمده در

هک تسانیا راک هراچ تفگ. دنشکی م ار ناشدوخ دنراد یروطنیمه ماعذلاًک تلم نیا دید ماسلا میلع
پ ار رتشد هکی تقو. دننکی پ ار هشناع رتشد دنراد پ تفگ. دنریبب اهر اچیب نیا، مدرم نیا میراذگد
دنتسه روطنیا تلم نیا. دندرک رارف و دندش قرّ فتم همه، دندرک

یلع هب عجار همه نیا، مدرک میصوتی یلع هب عجار ربمغیبه همه نیا، یلع تیصخش، یلع نیا لاد
تسامزیراکن امه نیا! ربمغیبه نزا! الله لوسر هجوز، هشناع اما. دوری منیدزا امه نیا مامت، دومرف بلطم
دریگی م ار لقع. دناشوی م ار همه ار امه نیا رایتخا. دناشوی م ار امه نیا لوقه مامت دیای م تیصخش ن
دنامی منی قاب یزیچرگی، تفرگ ار لقع ی تقو

ءار تقا. دنکی میجوت ار بذك. دنکی میجوت ار ق دص. دنکی میجوت ار ق د [ی درفنینچ] تقو ن
دوشی همه، ماه تیعموم مامت. دنکی میجوت ار فلاخ ریغ. دنکی میجوت ار فلاخ. دنکی میجوت ار
تفا نیرتگرزب و متفرگ [ر برد ار وا دوجو مامت و] هدمآ تیصخش مکنیا رطاخه؟ ارچ! لیوات و میجوت
دنک لافغا ار ناسنا تیصخش؛ تسانا تیصخش رد لافغا، کولسو ریسد تفا و رشپ

مبترم نیا زار تلابارم. متسه مبترم نیا رد ن لآ ن م؛ دراد ی امبترم کی یسکره، ن باجاقاً هن
مفیظو مبترم نامهر رد دیابنم، دبیتسه ی امبترم کی رد امش. دبیتسه ل وئسم ن اتدوخ دبیتشاذگرگا؛ دبیراذگد
یارب مهدی م ماجنا هک ار یلمع ن م تسانم کمم. متسه ل وئسم مدوخ، مداندن ماجنا رگا؛ مهدهب ماجنا ار ما
دیابن اسنا، هلب. دهدهب صیخشتش دوخ ار ق د هار و دیاب، دشاب حیحصریغ و دشاب بسانمانی درف کی
دیابن ارگید اب تقافرزا. دنک هدافتسا دیابن ارگید اب تبحصزا. دنک هدافتسا ن ارگید اب تروشمزا
مولج حیحصار و افلاخ بلاطم و میوشب عقاوی سک تیصخش ریثات تحت میباید هک نیا اما. دنک هدافتسا
ناسنا دیابن. دشاب دوخ یاج هب دیاب یزیچر ه. تسانداد بیرف دوخ؛ تساندنزلوگ دوخ نیا؛ مهدهب
کی تیحصار هبل مد. تساناطاغ. دنک ماگدن سُد هدید هب ار ی رگید افلاخ دیابن و دنک دافتنا یسکرزا دوخیب
دنکی منی قرف. تسانافلاخ، افلاخ. دبیبب حیحصار افلاخ دیابن رگید ناسنا یلو، دراد انعم
تسانیا ماسلا میلع نینمؤماریم

دیحوت ملاء هب دورو یارب ناسنا دادعتسا

تسرد مینی مینکی م ماگدن نامدوخ هب هکی تقو اما، دراد یراثاً کیو ت ایصوصخ کی دیحوت
میرادر بدوخ یارب ار تعفنم نآ، میسر بی تعفنم کی هب میهاوخی م. مینکی م تکر دمیراد دیحوت فلاخرپ
دیحوت هب صخش نیا دوشی مولعم! هن: مییوگی م؛ مهدهب ی رگید هب ار ی تعفنم هک دنه اوخه ام زارگا
رد ام قیفر ی تقو اما. دشاب ام دوخ هجوز ابیز نزا میهاوخی م میسری م ی ابیز نزا هب. تسانهدیسرد
ی م رکف چیه نامدوخ اب ای؛ میتفرگدنز مه ام هک دینک ضرف، متفرگدنز زونه مه و و تسه ام رانک
هبل و ار نیا، تسانتباجن و تفع و ت ایصوصخ و قلاخا نیا ی اراد هکی ی ابیز نزا هک مینک
ی م تسه ی لام کی. تساندیحوت افلاخ نیا! هن؟ میا مدرک ار رکف نیا نامدوخ اب چیه؟! مهدهب نامقیفر
هشناد یرتشیب جایتخا ام قیفر تسانکم لاد. دبیبب ام مانه هب عرفه مینکی م ادخادخ، دننک میسقت دنه اوخ
ار تیعموم و بصنم نیا هک تسه ی تیعمومو بصنم کی. تساندیحوت افلاخ نیا! هن مییوگی م، دشاب
نَیِد و انَیِب اما. تسین مه ام قیفر ولو دنهدب دنناوتی م رگید صخش کی هب مه دنهدب دنناوتی م نم هب مه
سپ. تساندیحوت افلاخ نیا. دنهدب ام هب مییوگی م ی لو، تسانما زار تشیبش تقایل صخش نآ مینی م الله
لاد. دیحوت راثا نیا و دیحوت نیا و ترنکرد ام مبترم نیا، ام لهج نیا! میتسه ی مدآ نینچم کی ام
ص نائقن نیا عرف یارب دادعتسا ام دوجو رد دنوادخ مینی م فرط کی زا و؟ میسرپ نیا هب ی روطچ ام
تسانمداد روتسد، هداتسرف ار ایلوا، هداتسرف ار ناربمغیبه، مدرک میصوت، همدار رارق ار اهتلاهج نیا عرف
تسانهدید کردت ام یارب ار اهراک نیا؟ تسانمدرک هچ یارب ار اهراک نیا سپ، دوبد دعنتسم ناسنا رگا
دوبده اوخل طاب و وغل [راک نیا] لآ و میدعنتسم ام تسانمولعم سپ

تسانناوید ناسنا رگم رخا! تسانی ملاء هچ دیحوت نیا مینی م، مینکی م معجارم ناملقه هب ی تقو
هنرگید ملاء نآ رد میوشی م ی ملاء کی دراو؟ دبیبب ش دب ملاء نیا ت ایصوصخزا و ملاء نیا زا هک

لِامَك، قَلْطَمَ عَاهِدِ مَهْمَ، مَسَاكُ كَيْ مَهْمَ، مَرْفَسُ كَيْ رَسِ مَهْمَ، تَسَهْ يِيَامَشِدْ وَ يِيَامُ هَذِ، تَسَهْ يِيَتِيْمَ مَهَاوْخِي مَزْ دِيوْغِبْ هَكَ دَشَابْ مَهَاوِيْدِ يِي سَكْ رِگَمْ، قَلْطَمَ مَلْعَ، قَلْطَمَ لِمَا مَجْ، قَلْطَمَ

يِي مَزْ اَر لَامَ نِيَا مَزْ دِيوْغِبْ، تَسَهْ اَجْنِيَا رِدِ يِي رِيَايَسْبِ لَامَ كَيْ هَكَ مِيْنِكْ ضَرْفِ رِگَا لِقَاعِ مَدَا يِي لُو يِي مَزْ دِيوْغِبْ، تَسَا اَجْنِيَا رِدِ يِي بِيْجَعِ لِمَا مَكْ، مَهَاوْخِي مَزْ دِيوْغِبْ، دِرَادِ دُوْجُوْ اَجْنِيَا رِدِ يِي بِيْجَعِ مَلْعَ كَيْ، مَهَاوْخِ تَسَا مَتْ رَطْفِ. دِنَاشِكِي مَ دِيحُوْتِ تَمَسَدِ هِبْ اَر دُوْخِ، اَمَتْ رَطْفِ دُوْشِي مَ مَوْلَعْمِ سِ پِ! تَسَا مَهَاوِيْدِ نِيَا؛ مَهَاوْخِ يِي نَعِيْدِ. دِنَاشِكِي مَ تَيِّنَا نَا عَفْرَ تَمَسَدِ هِبْ، بَا جَدِ عَفْرَ تَمَسَدِ هِبْ، قَلَا طَا تَمَسَدِ هِبْ، تَيْدُوْبِعَ تَمَسَدِ هِبْ اَر اَمَ هَكَ بَابِ نَمَ - نَامَزِ نَا رِدِ هَكَ دِيَا يِي مَ يِي نَامَزِ كَيْ مِيْنِيْبِي يِي تَقُو، نَمَامْدُوْخِ لَاوْحَا رِدِ مِيْنِكْبِ رِ كَفَا مَ اَعْقَاوِ يِي تَقُو نَامَزِ نَا رِدِ. دِرَادِزِ دُوْجُوْ يِي نَمَ وَ وَتَ - مِيْدِيْنَشِ اَللّهُ يِقْبَ تَرْضِدِ نَامَزِ هِبْ عَجَا رِ هَكَ يِي تَا يِي صُوْخِ نَا لَاتِمَ. دُوْرِي مَرَا نَكْ مَهْمَ رِگِيْدِ اَمَهْقَلْعَ وَ تَا طَابِتْرَا لِنَا سَمَ نِيَا رِگِيْدِ، نَامَزِ نَا رِدِ. تَسَا قَلْطَمَ تَلَادَعِ، تَلَادَعِ اِيْنِدِ تَا رِهَاوْجِ مَامَتْ، دِيوْشِبِ جِرَا خِلْزَنَمِ زَا مَامَ كَيْ وَ دِيْرَا ذَنْگَبِ زَا بَ مَهْ اَر نَاتْلَزَنَمِ رِدِ رِگَا، نَامَزِ نَا رِدِ يِي تَا يَاوَرِ قِبْطِ هَكَ تَسَا يِي نَامَزِ كَيْ رِدِ. دِنَكِي مَزْ مَا گَنْدِ اَجْنَا هِبْ اَلْصَا يِي سَكْ، دِيْهَدِبِ رَا رِقْ لَزَنَمِ نَا رِدِ مَهْ اَر كَيْ زَا وَ دِنْرَا نَكْبِ مَهْ شَرْسَرِ بَرِ رِهَاوْجِ زَا يِي دِبَسِ، نَارْتَخِدِ وَ اِهَنْزِ نِيْرَتَا بِيْزِ هَكَ دِيْنِكْ ضَرْفِ رِگَا مِيْرَادِ هَكَ شِيَا سَا لَاتِمَ بَابِ نَمَ هَكَ دَسْرِبِ يِي نَامَزِ اَعْقَاوِ. دِنَكِي مَزْ مَا گَنْدِ اِهْنَا هِبْ يِي سَكْ اَلْصَا، دِنُوْرِبِ رِگِيْدِ رِهَشِ هِبْ يِي رِهَشِ، اَمَ تَرْطَفَا اَعْقَاوِ اِيَا. دِنَكِي مَزْ اَر شَرْوَصْتِ نَا سَنَا هَكَ دَشَابِ يِي تَيْعَقُوْمِ كَيْ رِدِ تَلَادَعِ وَ تَيْنِمَا وَ شِ مَارَا وَ قِيْقَحْتِ رِدِ تَرْضِدِ هَكَ تَسَا يِي رَا كَنْ مَهْ نِيَا؟ تَسِيْجِ نِيَا؟ دِنَكِي مَزْ قِيوْشْتِ يِي تَيْعَقُوْمِ نِيْجَمَهْ كَيْ هِبْ اَر اَمَ دَصْرِدِ دَصْرِ اَر شِ اَمَهْمَ دِنَاوْتِ تَرْضِدِ رِگَا لَا اَدِ مَزَاتِ. دِنَهْدِبِ مَ اَجْنَا دِنَهَاوْخِي مَ دِيحُوْتِ دَا جِيَا رِدِ وَ دِيحُوْتِ يِي اَلْحَرَمِ كَيْ هِبْ نَا سَنَا لَا اَدِ. دِنَكِي مَ نِيْرِبِ تَشْهِيْدِ اَر نِيْمَزِ وَ دِرُوَا يِي مَ اَر نَا زَا يِي رَادِقَمَ، هَنْزِ دِهْدِبِ مَ اَجْنَا دُوْجُوْ اَجْنَا رِدِ يِي تَرْثَكِ وَ تَيْنَا نَا مَنُوْگِچِ هِبْ وَ تَسَا قَدْ تَرْضِدِ يِي تَا ذِ تَا يِلْجَتِ طَقْفِ لِحْرَمِ نَا رِدِ هَكَ دَسْرِبِ يِي مَ مَا گَنْدِ رُوْطِنِ مَهْمَ وَ دِرَا ذَنْگِي مَ تَسَدِ يُوْرِ تَسَدِ دِنِيْشِنِي مَ اِيَا، دَشَابِ لِقَاعِ صَخْشِ كَيْ رِگَا اَعْقَاوِ. دِرَادِزِ هِبْ نَا هِبْ نَدِيْسِرِ يِي اَرِبِ؟ دِهْدِبِ مَ اَجْنَا اَر يِي لَمَعِ هِبْ؟ دِنَكِ رَا كَهْ هَكَ دَتَقَا يِي مَ مَرَا چِلْ اَبَنْدِ هِبْ مَكْنِيَا اِي، دِنَكِ دِنَكِي مَ تَرْثَكِ زَا اَر نَا سَنَا هَكَ يِي زِيْچِ نَا. تَسَا دَخِ دَا يِي نَا؟ تَسِيْجِ نَا؟ دُوْشِبِ كَسْمَتَمَ وَ تَبِيْشْتَمَ يِي اَهْلِيْسُوْ! تَسَا دَخِ دَا يِي نَا؟ تَسِيْجِ نَا، دَرَبِ يِي مَ تَدْحُوْ هِبْ وَ

و دِيَا يِي مَ اَدَخِ دَا يِي. دُوْشِبِ اَدَخِ دَا يِي هِبْ لَدَبْتَمَ وَ دُوْرِبِ نِيْبِ زَا تَرْثَكِ دَا يِي نَا هَكَ دُوْشِي مَ بَجُوْمِ اَدَخِ دَا يِي 1 ﴿بِوَلْفًا نُنْمِطْتَهُ لَهٗ رُكْبًا اَلَا﴾ تَسَا رِكْزِ نَا؟ تَسِيْجِ اَدَخِ دَا يِي. دِنَادَرْگِي مَرِبِ اَر رِ كَفِ، دِنَادَرْگِي مَرِبِ اَر بَالِقِ يِي مَ رِيْنَاتِ دِيَا يِي مَ رِكْزِ نِيَا رُوْطِچِ لَا اَدِ. دِدَرْگِي مَرِبِ لِدِ نِيَا، اَدَخِ رِكْزِ اَبِ وَ اَدَخِ دَا يِي اَبِ. تَسَا نِيْمَهْ شِيَا نَعْمَ دِنَا مِي مَزْ نِيَا يِي اَرِبِ زُوْرَمَا رِگِيْدِ تَصْرَفِ؟ دِنَكِي مَ رِيْنَاتِ دِيَا يِي مَ دِرُوْ نِيَا رُوْطِچِ؟ دِنَكِ

بَجْرِ مَامِ يِي اَرِبِ يِي يَاهِ مَيِصُوْتِ

دَا يِي زِي لِيْخِ مَامِ نِيَا رِدِ رَا گْدِرُوْرِ پِ تَا ضُوْيِفِ هَكَ تَسَا يِي هَامَ بَجْرِ مَامِ. مِيْتَسَهْ بَجْرِ مَامِ مَهَا نَاتَسَا رِدِ اَمَ رِيَا سَا اَبِ بَجْرِ مَامِ يِي اِهَاعِدِ. مِيْنِكْ مَهَا فْتَسَا مِيْنَاوْتِي مَ اَر بَا لَطَمِ نِيَا اَمَ، بَجْرِ مَامِ هِيْعَدَا تَيْفِيْكَ زَا وَ تَسَا رِهَ - هِيْلَعِ اَللّهُ نَاوْضِرَ - اَقَا مَوْحَرَمِ. دِرَادِ مَبْلَغِ بَجْرِ مَامِ هِيْعَدَا نِيَا رِدِ يِي دِيحُوْتِ هِبْجِ. دِنَكِي مَ قَرْفِ اِهَاعِدِ لِنَا ضَفْ زَا وَ دِنْدَرْكِي مَ تَبْحَصِ اِهْنَا يِي اَرِبِ وَ دِنْدَرْكِي مَ عَمْجَا اَر نَا شِنَاتَسُوْدِ وَ اَقْفَرِ بَجْرِ مَامِ زَا لِبَقِ لَسِ نُوْدِيْفَاوْلَا بَا خِ» فَوْرَعْمِ يِي اَعَدِ نِيَا، تَا قُوَا زَا يِي لِيْخِ تَسَا مَدَا يِي تَدِ وَ دِنْدَرْكِي مَ نَا يِي اِهْنَا يِي اَرِبِ بَجْرِ مَامِ عَجْتَنَا نَمَ لَا اِنِ نُوْعَجْتَمَلَا بَدَجَا وَ كَبِ لَا اِنِ نُوْمَلِمَلَا عَا ضَ وَ كَلَّ لَا اِنِ نُوْضِرِعَمَلَا رَسَخَ وَ كَرِيْغَ يِي لَعِ زَا نَمَ تَا زَمَ وَ تَا رَكْ هِبِ. دِنْدَرْكِي مَ يِي لَامَجَا حَرْشِ كَيْ وَ مَجْرَتِ اَر اَعَدِ نِيَا، «...حَوْثَمَ كَبَابِ، كَا ضَفْ يِي لِيْخِ وَ دِنْدَرْكِي مَ نَا يِي اَر لِنَا سَمَ نِيَا نَا شِنَاتَقْفَرِ يِي اَرِبِ وَ نَاتَسُوْدِ يِي اَرِبِ بَجْرِ مَامِ زَا لِبَقِ هَكَ مَدِيْنَشِ نَا شِيَا رَتَشِيْدِ وَ اَهْقَارِمَ. دِنَكِ تَبْظَاوْمَ وَ دِنَكِ تَبْقَا رِمَ دِيَا يِي لِيْخِ بَجْرِ مَامِ نِيَا رِدِ نَا سَنَا مَكْنِيَا رِبِ دِنْتَشَادِ دِيْكَآتِ نَا ضَمْرِ وَ نَا بَعْشِ مَامِ رِدِ هَكَ يِي تَا ضُوْيِفِ مَصْلَا خِ وَ دَشَابِ رَتَشِيْدِ دِيَا يِي وَ اَهْجُوْتِ وَ مَا يِي وَ رُوْهَشِ رِيَا سَا زَا دَشَابِ هَكَ تَسَا بَجْرِ مَامِ زَا وَ دُوْشِي مَ تَعَبْنَمَ بَجْرِ مَامِ زَا هَكَ مِيْيُوْغِبِ مِيْنَاوْتِي مَ، دُوْشِي مَ نَا سَنَا بِيْصَنْ يِي تَدِ

هېص اصتخا ی نعی. دنیوگمی «الله رهش» ار بجر و ناضمر مام و نابعد مام ی ارب دنکی م ادیپ تیارس
تایلجت هک تسا نیا، هدهد مدینش ناگرزب زا و دنومرفی م هک یروطناً م ه ار ش تهج و دراد ادخ دوح
تأحفن مکرهد مأیای فی مکرل ن ا ل» تیاور نیا و تسا مأیا ریاس زا شید بجر مام رد قد ترضد
مام هې طوبرم ار نیا، تسا یورم ارهاظ مرکا ربمغیپ زا هک ار «اهنء اوضرعتلا و اهل اوضرعت لا
مامرد ی لو، مأیا زا یضعبرد لاسرد، دشاب م مأیا ریاسرد تسا نکم بوخ متبلا. دنتسنادی م بجر
زا ی تقو ره رد لاعتم دنوادخ هک دینادب: دنیامرفی م هک مرکا ربمغیپ تیاور. تسا رتدیدش نیا بجر
بقارم و تصرتم، دیشاب ریگی یپ، دیشاب بطاوم و تسای اصاخ تأحفن هک دراد ی تأحفن کیپ تا قوا
بجوم امشد تلفغ و دینک ضارعا ادابم و دیهدب رارق تأحفن نیا رانکرد و بتجرد ار دوح هک دیشاب
روهش ریاسد زا بجر مامرد نیا. دنکذ م عنتم و دنمراهب ار امشو دروخد امشو هې و دیایب محفن ا هک دوشب
تسا رتشیب

بشلامعا: ل و ا بلطم: دندرکی م یصوتی لیخ بجر مامرد دورو ی ارب ناشیا هک ی بلاطم زا
دندوبن ارهترد هک مه ی تقو ن ا رد. دندادی م ماجنا لاسره ن اشودخ ناشیا هک تسا بجر مام ل و ا معمج
دندادی م ماجنا ناشیا ار «بناغرلا هلیل» لامعا ن ا عاشر و برغم زماند نیب هک دراد رطاخ هې ام ی اقر
ن ا. تسای مهم لامعا، لامعا نیا رایسب و دهدب ماجنا ار نیا ناشیا اقر هک دندرکی م یصوت امتد و
ی صخش رگا هک میراد تیاور رد. دهدب ماجنا ار نیا امتد هک دنکی مذ شومارف ن اتسود و اقر الله عاشر
ام هک تسا نکم متبلا هک، ار مینشجنپ نیلوا، ار مام ن ا ل و ا مینشجنپ و دوشب لخاد و ا رب بجر مام
دشاب مه ی ناثلا ی دامجرخا، مینشجنپ رگا ی تد، درادن بجر مام لخاد مینشجنپ هې ص اصتخا نیا مپیوگب
زاب دشاب مه ی ناثلا ی دامجرخا مینشجنپ رگا ی تد - دوشی مذ هیمهف ص اصتخا نیا تیاور زا ی نعی -
مام معمج بشد نیلوا، ن ا معمج بشد هک ی مینشجنپ؛ دریگب زور ار مینشجنپ، دود دهاوخ تیاور لومشم
مینشجنپ، دنتشون مپوقترد هک هچنأ قبط اقاقتا هک دمأ دهاوخ دعب هک ی م معمج بشد نیمه لثم. تسا بجر
، عاشر و برغم زماند نیب، معمج بشد و دریگب زور ار مینشجنپ. دود دهاوخ م بجر مام ل و ا زور
حیتافم رد - دراد زماند تعکر و د اتش شد، حبصد زماند لثم، تعکر و د اتش شد؛ دراد زماند تعکر دز اود
لقی) هروس مبرم دز اود و مهنلرنا انا) هروس مبرم هس، دمدم هروسد زا دعی تعکر رهرد - هدهد متشون م
دناوتی م اقر، متشون حیتافم نیمه رد ار ش لیصفت - تعکر دز اود نیا ن دش مامت زا دعب و ماحا لله و ه
داتفه، دندازگی م هجسد هې رسد دعب، هلا ی دعو ی ملا ی نبلا دمحم ی عدل ص مهل ل: مبرم داتفه - دنک ماگد
و محرأو رفعا بر: مبرم داتفه، درادی م برسد هرابود، حورلا و مکنلاما بر س و دق حوبس: مبرم
بر س و دق حوبس: مبرم داتفه و درازگی م هجسد هې رسد هرابود، مظعلا ی لعا تنأ کنا ملعت ا معز و اجت
دنوادخ، دهاوخ هک ار ی تجادره و دزرمای م ار و ا ناهانگ مامت دنوادخ هک میراد و حورلا و مکنلاما
دندرکی م شرافس ی لیخ ن اشنا تسود هې و دنتشاد دیکأ اقا موحرم ی لیخ ار نیا. دنکی م اطع و ا هې

ن ا زا ی کی و دمأ مه حیتافم رد هک تسای یاهاعد، تسه بجر مامرد هک ی اهیدعا زا رگید
فرط زا، دود دبعسد ن ب نامذ دزرف هک نامذ ن ب دمحم مطساو هې هک تسای فیرش ی اعد نیا، اهاعد
ی ن ا مهل ل: دنناوخد بجر مامرد ار اعد نیا نایعیش هک دیسر و اتسد هې هادف ائحاورا الله یقبت ترضد
هک تسه مدای اقا موحرم و تسای بیج ی اعد رایسب هک «هرما ؤلاو هې کوع عدی ام عیمج ی ناعب کانسأ
ی بلاطم زا ی کی م ناقسأتم. دندرکی م حرش ار اعد نیا اهل اسد زا ی ضعبرد، بجر ی لایلزا ی ضعب، ن ناشیا
نیماضم رایسب و تسید تسد رد، اقا موحرم زا اعد نیا حرش هک تسا نیا، دراد رایسب فسات ی اجد هک
فشکنم اعد نیا ی ناعم و ی دیحوت قیاقده و ی ارب و دنک تیاندق یقوتی درف هې دنوادخرگا و دراد ی بیج
ن دنوادخ و دندرک نایب اعد نیا رد، هادف ائحاورا الله یقبت ترضد ار ی راسا هچ هک دیمهف دهاوخ، دوش
مامرد دیاب امتد هک تسای اهیدعا ن ا زا ی کی نیا. تسا دکوم رایسب بجر مام زور رهرد اعد نیا
میراد هک تسه «هنایلوا دهشم اندهشا ی دلا لله دمحلأ»: هیدعا ن ا زا ی کی. دوشب دناوخ زور ره بجر
تمدخد اجنأ بوخ، تسا دهشم رد ی سک هک دینک صرف، تسه ی کر بتم ناکم و میتسه هک ی یاجر هرد

ای، اهل‌بیت الله م‌لاس هم‌صعم هم‌طاف ترضد ت‌مدخ، ت‌سا م‌ق‌رد اجنیا، اض‌رلاً ی‌سوم ن‌ب‌ی‌ل‌ع ترضد ن‌یا ن‌اسنا م‌کنیا م‌د‌رادن‌ی‌تافانم ن‌یا، د‌وب‌د م‌ه‌ر‌گ‌ا ت‌رو‌ص‌ر م‌ه‌ر‌د؛ ت‌سا م‌ی‌ظ‌ع‌ل‌ا‌د‌ب‌ع ترضد ر‌د م‌کنیا ی‌ر‌گ‌ید ی‌ا‌ه‌ا‌ع‌د. ت‌سا ه‌د‌ش‌ر‌ک‌ز ا‌ع‌د ن‌یا ح‌ی‌ت‌ا‌ف‌م‌ر‌د م‌ک‌ت‌سا ی‌د‌ک‌و‌م‌ ی‌ا‌ع‌د ر‌ا‌ی‌س‌ب‌ م‌ه‌ن‌یا، د‌نا‌و‌خ‌ب‌ ا‌ع‌د ت‌سا د‌ن‌س‌ل‌ا‌ج‌ح‌ی‌ص‌و‌ت‌سا ح‌ی‌ح‌ص‌د‌ا‌ه‌ن‌ا‌ م‌ا‌م‌ت‌، ت‌س‌ه‌ ب‌ج‌ر م‌ا‌م‌ص‌و‌ص‌ر‌د م‌ک‌ م‌ه‌ا‌ه‌ن‌یا ت‌س‌ه‌ ح‌ی‌ت‌ا‌ف‌م‌ر‌د م‌ک‌ د‌ن‌ن‌ا‌م‌ ا‌ی، ت‌سا ب‌ح‌ت‌س‌م‌ ز‌ا‌م‌ن‌ ز‌ا‌ د‌ع‌ب‌ م‌ک‌ «ر‌ش‌ل‌ک‌ د‌ن‌ع‌ م‌ط‌خ‌س‌ن‌ م‌ا‌ و ر‌ی‌خ‌ل‌ک‌ل‌ ه‌و‌ج‌ر‌ا‌ن‌ م‌ا‌ی» ل‌ث‌م‌ و «ن‌ی‌ن‌ا‌س‌ل‌ا‌ج‌ن‌ا‌و‌د‌ ک‌ل‌م‌ی‌ن‌ م‌ا‌ی» ت‌سا ا‌ج‌ن‌ا‌ ر‌د د‌ا‌ج‌س‌ت‌ ترضد ی‌ا‌ع‌د م‌ک‌ ر‌گ‌ید ی‌ا‌ه‌ا‌ع‌د ک‌ه‌ ا‌ی‌ن‌ ه‌م‌ ب‌سی‌ار د‌ع‌ای ع‌الی‌ة‌ الم‌ض‌ا‌م‌ی‌نی‌ ا‌س‌ت‌. ا‌ی‌ن‌ها‌ ر‌ا‌ ه‌م‌ چ‌ن‌ا‌ن‌چ‌ه‌ ا‌ن‌س‌ان‌ د‌ر‌ ا‌و‌ق‌ا‌ت‌ م‌خ‌ت‌ل‌ف‌ [ب‌خ‌وا‌ن‌د‌ ب‌ر‌ای‌ ا‌و‌ م‌ف‌ی‌د‌ خ‌وا‌ه‌د‌ ب‌و‌د‌].

ع‌ق‌وم‌ ر‌د‌ن‌ا‌س‌نا م‌ک‌ ت‌سا ن‌یا ر‌ت‌ه‌ب‌. د‌نا‌و‌خ‌ب‌ م‌ه‌ ا‌ی‌ ا‌ر‌ ا‌ع‌د‌ا‌ت‌ د‌ن‌ج‌ م‌ع‌ف‌د‌ک‌ی‌ت‌س‌ی‌ن‌ ب‌و‌خ‌ن‌ا‌س‌نا، د‌ی‌ن‌ی‌ب‌ی‌ ا‌ع‌د‌ک‌ی‌ ع‌ا‌ش‌ع‌ و ب‌ر‌غ‌م‌ ز‌ا‌م‌ن‌ ع‌ق‌وم‌، د‌نا‌و‌خ‌ب‌ ا‌ع‌د‌ک‌ی‌ ر‌ص‌ع‌ و ر‌ه‌ظ‌ ز‌ا‌م‌ن‌ ن‌ی‌ب‌، د‌نا‌و‌خ‌ب‌ ا‌ع‌د‌ک‌ی‌ ح‌ب‌ص‌. د‌نا‌و‌خ‌ب‌ن‌ا‌س‌نا، ا‌د‌ج‌، ا‌د‌ج‌ م‌ک‌ل‌ب‌، ت‌سا ح‌و‌ج‌ر‌م‌، ا‌ه‌ن‌یا ن‌د‌نا‌و‌خ‌ب‌ م‌ه‌ ا‌ی‌. د‌نا‌و‌خ‌ب‌ ی‌ک‌ی‌ ب‌و‌ر‌غ‌ز‌ا‌ ل‌ی‌ق‌، د‌نا‌و‌خ‌ب‌ ر‌و‌ت‌س‌د‌ک‌ی‌ن‌ا‌و‌ن‌ع‌ م‌و‌د‌ش‌ی‌م‌ ا‌ی‌ص‌و‌ت‌ق‌ب‌ا‌س‌ م‌ک‌ ی‌ب‌ل‌ا‌ط‌م‌ م‌ل‌م‌ج‌ز‌ا‌. د‌ر‌ا‌د‌ن‌ا‌س‌نا ی‌ا‌ر‌ب‌ی‌ب‌ی‌ج‌ع‌ت‌ا‌ر‌ی‌ث‌ا‌ت‌ن‌یا ن‌ب‌ا‌ع‌ش‌ و ب‌ج‌ر‌ م‌ا‌م‌ر‌د‌، ن‌ا‌ش‌ن‌ا‌د‌ر‌گ‌ا‌ش‌ م‌ی‌ت‌ب‌س‌ن‌ی‌ض‌ا‌ق‌ م‌و‌ح‌ر‌م‌ م‌ک‌د‌و‌ب‌ی‌ت‌ا‌ر‌و‌ت‌س‌د‌د‌ش‌ی‌م‌ ه‌د‌ا‌د‌ی‌م‌و‌م‌ع‌ و ی‌ل‌ک‌. ت‌سا د‌ک‌و‌م‌ ر‌ا‌ی‌س‌ب‌ ا‌ه‌ن‌یا و د‌ن‌ر‌ا‌د‌ع‌ل‌ا‌ط‌ا‌ل‌ن‌ا‌س‌م‌ن‌یا ز‌ا‌ د‌ب‌ل‌ا‌ ا‌ق‌ف‌ر‌ م‌ک‌ د‌ن‌د‌و‌م‌ر‌ف‌ی‌م‌ ا‌ر‌ ب‌ل‌ا‌ط‌م‌n‌یا ن‌ا‌ض‌م‌ر‌ و n‌ا‌س‌نا. ت‌سا د‌ک‌و‌م‌ ر‌ا‌ی‌س‌ب‌ ب‌ق‌ا‌ر‌م‌. ت‌سا د‌ک‌و‌م‌ ر‌ا‌ی‌س‌ب‌ ب‌ج‌ر‌ م‌ا‌م‌ر‌د‌ا‌ص‌و‌ص‌، م‌ا‌م‌ ه‌س‌n‌یا ر‌د‌ ب‌ا‌ق‌ر‌و‌ض‌ م‌ص‌ل‌ا‌خ‌ و د‌ر‌ا‌د‌ب‌ر‌ا‌ن‌ک‌ر‌ب‌ و د‌ر‌ا‌د‌ب‌ر‌ذ‌ح‌ر‌ب‌ م‌ر‌ا‌م‌ا‌س‌ف‌ن‌ا‌ب‌ض‌ر‌ا‌ع‌ت‌z‌ا‌ ا‌ر‌ش‌د‌و‌خ‌t‌ا‌ر‌و‌ط‌خ‌ و ش‌ل‌ع‌ف‌، ش‌م‌ل‌ا‌ک‌ م‌ک‌ م‌ی‌ن‌ی‌ب‌ی‌ ا‌م‌ا‌ع‌قا‌و‌. د‌ن‌ک‌ ه‌د‌ا‌ف‌ت‌س‌ا‌ د‌نا‌و‌ت‌ب‌ر‌د‌ق‌چ‌n‌ا‌س‌نا م‌کنیا ا‌ت‌ ه‌د‌ر‌ک‌n‌ه‌ی‌د‌ اجنیا ر‌د‌ د‌ن‌وا‌د‌خ‌ م‌ک‌ ت‌سا ی‌ا‌م‌ر‌ف‌س‌ ی‌م‌ و د‌ا‌د‌ی‌م‌ ق‌ی‌ف‌و‌ت‌n‌ه‌ن‌ا‌ م‌ی‌د‌ن‌وا‌د‌خ‌ م‌ک‌ د‌ن‌ت‌ش‌ا‌د‌ و‌ز‌r‌ا‌ ا‌ه‌ن‌یا م‌ک‌ ه‌ت‌ش‌ذ‌گ‌n‌ا‌م‌ز‌ R‌د‌ د‌ن‌د‌و‌ب‌ی‌d‌ا‌r‌f‌a‌ ر‌ا‌ی‌س‌ب‌ م‌چ‌ ه‌d‌a‌d‌ a‌r‌ q‌i‌f‌o‌t‌n‌i‌a‌ m‌e‌n‌ l‌a‌ d‌n‌o‌a‌d‌x‌. ت‌سا ی‌ل‌ا‌خ‌n‌ا‌ش‌ت‌س‌د‌n‌l‌a‌ ی‌ل‌و‌ d‌n‌o‌t‌s‌h‌b‌ d‌n‌m‌e‌r‌h‌e‌b‌t‌m‌e‌z‌n‌i‌a‌ z‌a‌ d‌n‌t‌s‌n‌a‌o‌t‌. م‌ی‌ش‌ا‌ب‌r‌k‌a‌t‌h‌ a‌r‌ a‌d‌x‌t‌m‌e‌z‌n‌i‌a‌ m‌i‌n‌a‌o‌t‌i‌m‌ w‌c‌h‌ m‌e‌j‌e‌b‌ m‌i‌n‌i‌b‌i‌ m‌k‌n‌i‌a‌ a‌t‌ h‌d‌a‌d‌ a‌m‌e‌b‌t‌a‌i‌d‌ w‌

ر‌ک‌ز‌، n‌ا‌ض‌م‌ر‌ م‌a‌m‌ و n‌ا‌ب‌ع‌ش‌ m‌a‌m‌r‌d‌ r‌o‌w‌t‌n‌i‌m‌e‌h‌ w‌ m‌a‌m‌n‌i‌a‌ r‌d‌ t‌s‌a‌ d‌k‌o‌m‌ ی‌ل‌ی‌خ‌ م‌ک‌ ی‌ل‌n‌a‌s‌m‌z‌a‌ ی‌ک‌ی‌ d‌n‌a‌o‌t‌i‌m‌d‌d‌e‌c‌n‌o‌d‌b‌n‌a‌s‌n‌a‌ و d‌r‌a‌d‌z‌d‌d‌e‌ m‌k‌t‌s‌a‌ ی‌r‌k‌z‌n‌a‌ m‌a‌d‌m‌r‌k‌z‌. d‌r‌a‌d‌ a‌r‌ r‌k‌z‌n‌a‌ n‌a‌s‌n‌a‌ m‌k‌t‌s‌a‌ ی‌m‌a‌d‌m‌ ی‌a‌r‌b‌ d‌r‌a‌d‌z‌ m‌e‌h‌ ی‌l‌l‌k‌t‌s‌h‌a‌ و t‌s‌i‌n‌i‌d‌e‌d‌ r‌a‌k‌z‌a‌ e‌z‌j‌؛ d‌n‌i‌o‌g‌i‌m‌ m‌a‌d‌m‌r‌k‌z‌، r‌k‌z‌n‌i‌a‌ m‌e‌j‌. d‌i‌o‌g‌i‌k‌ a‌r‌ r‌k‌z‌n‌a‌ h‌a‌r‌ d‌r‌a‌d‌. d‌i‌o‌g‌i‌k‌ a‌r‌ r‌k‌z‌n‌a‌ n‌a‌s‌n‌a‌ m‌a‌d‌m‌ w‌c‌h‌ m‌e‌j‌ r‌o‌w‌t‌n‌i‌m‌e‌h‌. a‌l‌l‌h‌ l‌a‌i‌h‌l‌a‌ l‌a‌ r‌k‌z‌l‌t‌m‌. d‌i‌o‌g‌i‌k‌ m‌k‌ ی‌ص‌خ‌ش‌ ی‌t‌k‌r‌d‌w‌a‌ n‌a‌h‌d‌l‌a‌t‌m‌ a‌i‌d‌m‌e‌h‌f‌e‌j‌ m‌e‌h‌ ی‌s‌k‌ ی‌t‌d‌ m‌k‌n‌i‌a‌n‌o‌d‌b‌m‌a‌r‌a‌، t‌s‌a‌ h‌e‌t‌s‌h‌z‌n‌. d‌i‌o‌g‌i‌k‌ a‌l‌l‌h‌ l‌a‌i‌h‌l‌a‌ d‌o‌r‌i‌m‌ l‌a‌i‌h‌ m‌k‌t‌s‌a‌ m‌i‌s‌n‌o‌i‌r‌k‌z‌، r‌a‌k‌z‌a‌n‌a‌z‌a‌ ی‌ک‌ی‌. ت‌سا b‌s‌a‌n‌m‌ ی‌ل‌ی‌خ‌n‌i‌a‌. d‌i‌o‌g‌i‌k‌ a‌l‌l‌h‌ l‌a‌i‌h‌l‌a‌ r‌k‌z‌، d‌s‌h‌a‌b‌h‌e‌t‌s‌h‌a‌d‌ d‌n‌a‌o‌t‌i‌m‌i‌s‌k‌ r‌g‌a‌. b‌d‌e‌c‌n‌o‌d‌b‌ h‌e‌k‌ h‌d‌s‌h‌ h‌i‌s‌o‌h‌e‌k‌ t‌s‌a‌¹ **م‌ن‌ ی‌م‌ل‌ظ‌ل‌ا‌ n‌m‌ t‌n‌k‌ ی‌n‌a‌ l‌k‌ t‌c‌h‌b‌s‌t‌n‌a‌ l‌a‌i‌h‌l‌a‌** ر‌ا‌ی‌س‌ب‌ m‌i‌s‌n‌o‌i‌r‌k‌z‌n‌i‌a‌. d‌i‌o‌g‌i‌k‌ m‌e‌j‌t‌r‌m‌ t‌s‌i‌o‌d‌، d‌n‌a‌o‌t‌i‌m‌ ی‌ک‌ی‌r‌g‌a‌. n‌i‌e‌o‌l‌t‌p‌l‌a‌n‌i‌d‌ d‌i‌o‌g‌i‌k‌ l‌a‌t‌m‌ m‌e‌j‌t‌r‌m‌ d‌s‌v‌ n‌a‌ m‌e‌j‌y‌s‌k‌r‌e‌h‌، m‌e‌j‌t‌r‌m‌ m‌a‌j‌n‌i‌p‌ و d‌s‌v‌، m‌e‌j‌t‌r‌m‌ d‌a‌t‌f‌e‌h‌، m‌e‌j‌t‌r‌m‌ m‌a‌j‌n‌i‌p‌؛ d‌d‌e‌c‌n‌o‌d‌b‌ ی‌h‌e‌t‌m‌ t‌s‌a‌ m‌e‌h‌ a‌l‌l‌h‌n‌a‌o‌ض‌r‌- d‌a‌d‌d‌ ی‌a‌q‌a‌ m‌o‌h‌r‌m‌z‌a‌ r‌i‌q‌d‌ d‌o‌x‌ و d‌n‌d‌r‌k‌ d‌i‌k‌a‌t‌n‌a‌g‌r‌z‌b‌z‌a‌ ی‌ل‌ی‌خ‌ و d‌o‌s‌h‌n‌h‌e‌t‌s‌x‌ m‌k‌ ی‌r‌a‌d‌q‌e‌ t‌m‌o‌a‌d‌m‌ ی‌ص‌خ‌ش‌r‌g‌a‌ و t‌s‌a‌ h‌e‌t‌f‌e‌h‌d‌ m‌i‌s‌n‌o‌i‌r‌k‌z‌n‌i‌a‌ r‌d‌ ی‌a‌h‌j‌n‌g‌: m‌k‌ d‌n‌d‌o‌m‌r‌f‌i‌m‌n‌a‌s‌h‌i‌a‌ m‌k‌ m‌d‌i‌n‌t‌s‌h‌-m‌i‌l‌e‌ m‌k‌ t‌s‌a‌ ی‌d‌r‌a‌o‌m‌n‌a‌z‌a‌ ی‌ک‌ی‌m‌e‌h‌n‌i‌a‌. d‌n‌a‌s‌r‌i‌m‌ ی‌g‌r‌z‌b‌z‌a‌ ی‌ل‌ی‌خ‌t‌a‌m‌e‌z‌n‌k‌i‌e‌b‌a‌r‌w‌a‌ d‌n‌o‌a‌d‌x‌، d‌s‌h‌a‌b‌h‌e‌t‌s‌h‌a‌d‌. ت‌سا ه‌د‌ش‌ m‌i‌s‌o‌t‌n‌a‌ض‌م‌r‌ و n‌ا‌ب‌ع‌ش‌ و ب‌ج‌ر‌ m‌a‌m‌ص‌o‌ص‌x‌ ی‌a‌r‌b‌.

ا‌ی‌t‌s‌a‌n‌a‌b‌e‌c‌h‌ m‌a‌m‌r‌d‌ m‌k‌t‌s‌a‌ ی‌a‌e‌i‌e‌d‌a‌ d‌n‌n‌a‌m‌ d‌n‌r‌a‌d‌ع‌ل‌ا‌ط‌ا‌ا‌q‌f‌r‌ و n‌a‌t‌s‌o‌d‌a‌e‌b‌ط‌ m‌k‌r‌g‌i‌d‌ b‌l‌a‌t‌m‌ ی‌ل‌ی‌خ‌ ب‌ج‌ر‌ m‌a‌m‌ ی‌a‌r‌b‌ m‌k‌ m‌e‌j‌n‌a‌. t‌s‌a‌ d‌e‌b‌ a‌h‌n‌i‌a‌ l‌a‌a‌d‌ m‌k‌n‌a‌ض‌m‌r‌ m‌a‌m‌l‌f‌a‌o‌n‌d‌. ت‌سا n‌a‌ض‌m‌r‌ m‌a‌m‌ m‌k‌n‌i‌a‌ ی‌d‌a‌r‌f‌a‌ l‌a‌t‌m‌، m‌e‌q‌r‌s‌h‌m‌ d‌h‌a‌s‌t‌m‌ t‌r‌a‌i‌z‌، n‌a‌r‌b‌ m‌f‌a‌z‌a‌. d‌s‌h‌ض‌r‌e‌ m‌k‌d‌o‌b‌ ی‌b‌l‌a‌t‌m‌n‌i‌a‌ h‌d‌s‌h‌d‌i‌k‌a‌t‌w‌a‌ m‌e‌j‌t‌b‌s‌n‌d‌ r‌d‌. ت‌سا m‌e‌h‌ ی‌ل‌ی‌خ‌ و t‌s‌a‌ m‌n‌t‌g‌m‌ r‌a‌i‌s‌b‌n‌i‌a‌، m‌i‌l‌e‌ a‌l‌l‌h‌ m‌l‌a‌s‌m‌i‌z‌e‌d‌a‌b‌e‌c‌t‌r‌u‌z‌d‌، d‌n‌t‌s‌h‌n‌a‌r‌h‌e‌ط‌r‌d‌ m‌k‌ **ز‌ا‌z‌n‌m‌k‌ ی‌r‌b‌ m‌i‌z‌e‌d‌a‌b‌e‌c‌r‌a‌z‌n‌m‌»**: d‌n‌d‌o‌m‌r‌f‌e‌ m‌k‌ m‌i‌r‌a‌d‌ ی‌d‌a‌h‌m‌a‌m‌a‌، m‌l‌a‌s‌l‌a‌m‌i‌l‌e‌ ی‌q‌t‌l‌a‌ ی‌l‌e‌m‌a‌m‌a‌z‌a‌ t‌i‌a‌o‌r‌

ترايز ار ادېشلا ديسه كنيا لثم، دنك ترايز ي ر رد ار ميظعلادبع ترصد هكي سك» «ءلاير كين يسحلا
 يم ناسنا، قنوم و دمتعم و دنسلا حيصه دازماما، تسه ي اءازماما ير هشر هر د رگا هكنيا اي «. مدرك
 تسا ي تاروتسد زا ي كي، هقرشم دهاشم ترايز. دوشب دنمه رهد اجنآ تاضويف زا و دورب اجنآ هك دناوت
 ن اشياقفر و نادرگاشد و نانسود هب، رگيد ناگرزب اهنآ عبته هب و -هيع الله ن اوضر- ي ضاقت مو حرم هك
 ره هكنيا هذتهتلا. بتسا رنوم رايصب هك تسا روبقل ها ترايز لئاسم ن آ زا ي كي. دندركي م ديكات ي ليخ
 ءلاخا و ناردارب ابدماوتفر و محر هلمد، ي ضرمت دايع. دورب رابكي ي اهتفه لاقا، دورب ناسنا زور
 ي لئاسم اهنيا. دراد ضيق فر و طاسبنا رد يياز سبريئات و تسا دكؤم ي ليخ، ي ناميا ناردارب و ي ناحور
 منك ضرع اقفر تمدخار بلاطم نيا متساوخنم، تسا كيدزن بجر مام نوچه كدوب

ي ارب دنواذ هكي تاضويف ن آ زا رتشيپ هچر ه ميناوتب هك دهدب قي فوت ام همه هب دنواذ الله عاشن!
 مپوشب دنمه رهد ام، ل مكا و هجون سحا هب تسا هنشاد ي نازرا هكزبتم ي اههام نيارد ش ناگدنپ

دَمَحْمَلِ اَوْ دَمَحْمَلِ اَعْلَصَ مَهْلًا